تاریخ ناشنیده و ۲۵۰ ساله «طریق الرضا(ع)»

تاریخ زیارت در مشهد ۲

جاده‌ای که امروزه مشهد را به تهران وصل می‌کند، یکی از مشهورترین و قدیمی‌ترین محورهای مواصلاتی است که زائران برای رسیدن به حرم مطهر رضوی آن را طی می‌کردند. در این نوشتار کوشیده‌ایم تا زوایایی ناشناخته و کمتر گفته‌شده از تاریخ این مسیر معنوی را که امروزه میزبان بخش مهمی از زائران پیاده حرم امام رضا(ع) است، بررسی کنیم

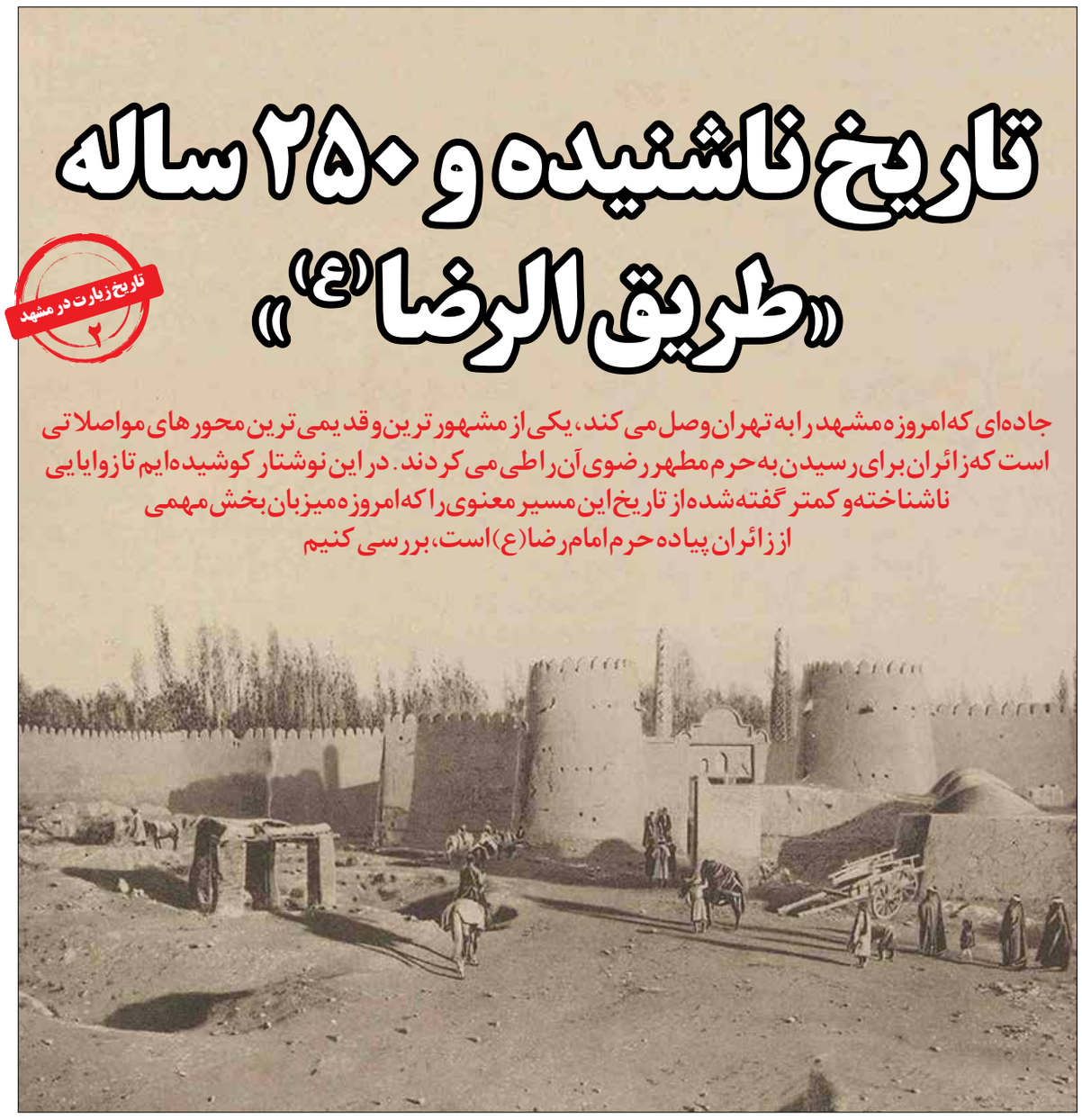

دروازه بالا خیابان؛ نقطه انتهایی طریق الرضا(ع) - عکس: هانری رنه دالمانی، ۱۲۷۷ خورشیدی

جواد نوائیان رودسری – نیازی به توضیح نیست که مشهد، از بدو پیدایش، ماهیتی زیارتی داشته‌است. شهادت مظلومانه امام رضا(ع) در آخرین روز ماه صفر سال ۲۰۳ و دفن پیکر مطهر آن حضرت در سرداب کاخ حُمَید بن قَحطبه، سرآغاز شکل‌گیری شهر مشهد الرضا(ع) بود. به تدریج و طی قرن‌های بعدی، با توسعه کمّی و کیفی این شهر، نقاط جمعیتی مهم اطراف آن، مانند نوغان و تابران نیز، از رونق افتاد و بخش مهمی از جمعیت آن‌ها در مشهد ساکن شدند؛ اتفاقی که البته، وقایع تاریخی ناشی از هجوم مغولان و لشکرکشی‌های تیمورلنگ در آن بی‌تأثیر نبود. با این حال، آن‌چه بیش از هر چیز، مشهد را به عنوان یک مکان شاخص در جغرافیای جهان اسلام تثبیت کرد، ماهیت زیارتی آن بود؛ ماهیتی که مشهد را به مقصد اصلی بسیاری از سفرهای معنوی تبدیل کرد و در طول تاریخ ۱۲۰۰ ساله‌آن، اسباب تغییرات فراوان و رویدادهای خواندنی و جذابی شد که بنا داریم، در روزهای پایانی ماه صفر و همزمان با آغاز حرکت زائران پیاده به سوی مشهد الرضا(ع)، به بررسی آن‌ها بپردازیم. امید که آن‌چه نوشته می‌شود، مقبول شما اراد تمندان به سلطان سریر ارتضا، حضرت امام علی بن موسی الرضا المرتضی(ع) واقع شود.

■ تولد «طریق‌الرضا(ع)»

جاده و سفر، دو واژه ملازم یکدیگر هستند. جاده نه فقط مسیر عبور که راهنمای طی طریق هم هست و این طی طریق می‌تواند حرکتی معنوی باشد برای زیارت مرقد مطهر امام رضا(ع). مشهد از نخستین روزهای شکل گرفتن اش، به مقصد بسیاری از سفرهای زیارتی در ایران و سرزمین‌های اسلامی تبدیل شد و به تدریج، زائران مسیرهای ثابتی را برای رسیدن به مشهد برگزیدند؛ مسیرهایی که آمد و شد و اتفاقاتی که در آن‌ها روی می‌داد، به تدریج بخشی از فضای تاریخ زیارت را در بر گرفت. امروزه چنین مسیرهایی، به «طریق الرضا(ع)» شهرت دارند و بخش مهمی از تردد زائران، به صورت پیاده و غیر آن، در همین مسیرها صورت می‌گیرد. پیشینه این مسیرها، آن هم در ایامی که زائران پیاده در آن‌ها تردد می‌کنند و به سوی حرم مطهر رضوی در حرکت هستند، از دو جنبه قابل بررسی است؛ نخست از منظر جغرافیایی و روایت‌های مربوط به تاریخ حمل و نقل در آن‌ها و دیگر، از منظر فرهنگی و تأثیراتی که فرهنگ زیارت بر این مسیرها باقی گذاشته‌است. شاید از شنیدن عنوان منظر دوم، تعجب کنید، اما اگر کمی صبر داشته باشید، می‌توانید با روایت‌هایی درباره این تأثیر فرهنگی و سنت‌های ناشی از آن، آشنا شوید.

■ روایت شاهدان ایرانی و خارجی

مسیر مواصلاتی به سوی مشهد یا همان جاده زیارت، روی مسیرهای قدیمی و باستانی شکل گرفت که پیشتر، اقصی نقاط دنیا را به توس متصل می‌کرد. بنابراین، سابقه استفاده از این جاده‌ها، بیش از تاریخ مشهد است. اگر نگاهی به کتاب‌هایی مانند «مسالک و ممالک» ابن خرداذبه، «صورة الارض» ابن حوقل، «احسن التقاسیم» مقدسی یا «اخبار البلدان» ابن فقیه همدانی بیندازیم، می‌توانیم برخی از این راه‌ها را شناسایی کنیم که نسبت به دیگر گذرگاه‌ها، قدمت و کاربری بیشتری داشته‌اند. یکی از این مسیرها که به‌واقع باید آن را اصلی‌ترین مسیر تردد به مشهد، دست کم از ۲۵۰ سال قبل به این سو بدانیم، جاده‌ای است که از غرب مشهد، به سوی تهران امتداد پیدا کرده‌است. این جاده به دلیل عبور از شهرهای آبادو نیز دور زدن فضای خوفناک و پردردسر کویر مرکزی ایران، از دیرباز میزبان مسافران و زائران بسیاری بوده است. خوشبختانه گزارش‌های مربوط به این مسیر راهبردی و مهم، در اغلب سفرنامه‌های نوشته شده، به‌ویژه در دوره قاجار که به یک تعبیر باید آن را عصر سفرنامه‌نویسی در ایران بدانیم، توصیف و اهمیت آن تشریح شده‌است؛ به عنوان نمونه غلامحسین خان افضل‌الملک، از مستوفیان دوره قاجار، در «سفرنامه خراسان و کرمان» خود، شرحی دقیق از وضعیت این جاده ارائه می‌کند و درباره منزلگاه‌ها و ویژگی‌های مسیر، نکات مهم و کمیابی را در اختیار مخاطب می‌گذارد. مسیر مشهد به تهران که امروزه به «طریق الرضا(ع)» شهرت دارد، در سفرنامه‌های اروپایی نیز، مورد توجه قرار گرفته و درباره آن، نکات جالب توجهی را توضیح داده‌اند که مرور برخی از آن‌ها، خالی از لطف نیست؛ مثلاً «نیکولای خانیکوف»، مأمور سیاسی و امنیتی دولت تزار که در حدود سال ۱۲۴۰ خورشیدی این مسیر را همراه با جمعی از کارشناسان و مهندسان روس طی کرد، در سفرنامه خود به جزئیات خوبی اشاره می‌کند و ضمن نام بردن از دهکده «بدشت» در دو فرسنگی شاهرود، به عنوان بارانداز کاروان‌های زیارتی از مبدأ قفقاز و غرب و جنوب ایران، به تجمع انبوه زائران در این منطقه می‌پردازد و می‌نویسد: «وقتی به دهکده بَدَشت، میعادگاه دایمی کاروان‌های عازم مشهد، واقع در دو فرسنگی شاهرود رسیدیم، در آن جا با اردوی بزرگی از زائران و بیش از ۴ هزار چهارپا مُرکب از اسب، قاطر و شتر روبه‌رو شدیم. کاروان حالت یک موزه زنده قوم‌شناسی داشت. عرب‌های بیابان‌های بصره و بغداد، افرادی از تمامی ایالات ایران، ترک‌های دربند، شیروان (منظور شروان در قفقاز است)، آذربایجان، افغان‌ها، مسلمانان هند، ساکنان خجند، کاشغر، تاشکند، بخارا و هرات.» اشاره خانیکوف به مسافرانی از شرق مشهد، مانند افغان‌ها، هندی‌ها و ...، نشان می‌دهد که این جاده تاریخی، به عنوان یک راه تجاری – و شاید منطبق با جاده ابریشم – و نیز یک مسیر زیارتی مناسب برای رفتن به عتبات یا حجاز، مورد توجه و علاقه ساکنان این سرزمین‌ها بوده‌است. سیل جمعیت در این جاده تاریخی، برای هر بیننده‌ای جذاب و قابل توجه بود. هانری رنه دالمانی که در حدود سال ۱۲۷۷ از این راه عبور کرده است، می‌نویسد: «جاده‌ای که از مشهد به نیشابور می‌رود، مانند شاهراه‌های اروپا پر جمعیت است. در هر قدم به کاروان‌های بزرگی برمی‌خوریم که به زیارت مشهد می‌روند». این زائران پرشمار که بخش عمده‌ای از آن‌ها به صورت پیاده طی طریق می‌کردند، در حالی به شوق زیارت گام در جاده مشهور تهران به مشهد می‌گذاشتند که در آن زمان، امنیت در وضعیت خوبی قرار نداشت و زائران برای حفظ جانشان به تعبیر دالمانی، «همه از تاجر گرفته تا چوپان، سر تا پا مسلح» بودند. آرمین وامبری، جاسوس مجارستانی الاصل انگلیس که در حدود سال ۱۲۵۰ خورشیدی مسیر تهران تا مشهد را طی کرده‌است، در سفرنامه خود، به دلیل حملات بی‌وقفه ترکمانان و غارت دایم اموال زائران در مناطق عباس‌آباد، میاندشت، میمه و شاهرود، این نواحی را چهار «منزلگاه خوفناک» نامیده است، اما این خوفناکی نیز، از جمعیت زوار علاقه‌مند به زیارت قبر مطهر امام رضا(ع) کم نکرد و حتی در سال‌های قحطی، خیل زائران عاشق، در این مسیر طولانی به چشم می‌خورد. نکته مهم دیگری که باید درباره «طریق الرضا(ع)» مورد توجه قرار دهیم و در فرصتی دیگر، مشروح به آن بپردازیم، مسئله حفظ امنیت در این جاده راهبردی و مهم، طی ادوار تاریخی مختلف است؛ برخلاف ادعای وامبری که تنها بخشی از واقعیت را پوشش می‌دهد، حتی در بدترین شرایط مانند قحطی و جنگ، تلاش‌های گسترده‌ای برای حفظ امنیت جاده صورت می‌گرفت. مرور متون تاریخی، ما را با نام‌هایی مانند اسماعیل خان دامغانی، علی سلطان ذوالقدر، نیازقلی خان و محمدحسین تبادکانی آشنا می‌کند که نقش مهمی در حفظ امنیت این جاده مهم زیارتی داشته‌اند.

■ فرهنگ زیارت در جاده زیارت

جاده زیارت، تنها مسیری برای رسیدن زائران به مشهد الرضا(ع) نبود، بلکه در آن می‌شد شاخص‌های فرهنگی متعدد و مرتبط با فرهنگ زیارت را در قالب نذر، وقف، برنامه‌های خاص و سنت‌های ویژه مذهبی مشاهده کرد. شاخص‌هایی که برخی از آن‌ها دست کم تا یک سده قبل برقرار بودند و پس از ورود ابزار و وسایل جدید حمل و نقل به ایران، به تدریج فراموش شدند و از یاد رفتند. یکی از مشهورترین مثال‌هایی که می‌توان در این زمینه ارائه کرد، گزارش هانری رنه دالمانی (مربوط به سال ۱۲۷۷ ش) از یک اقدام خودجوش در «تپه سلام» مشهد است که باید آن را به روایتِ خودِ او بخوانیم: «طرف عصر ما به تپه‌ای رسیدیم که از آن‌جا دورنمای شهر پدیدار می‌گردد. در راه سنگ‌های بزرگی را دیدیم که کمی تراشیده و مدور بودند و آن‌ها را زوّار می‌نامیدند. یکی از وظایف عابرین این است که سه دفعه این سنگ‌ها را به طرف شهر بغلتانند. ارابه‌رانان هم گاهی این سنگ‌ها را روی ارابهٔ خود گذارده و چند فرسخ آن‌ها را نقل مکان می‌دهند ولی نباید آن‌ها را به طرف عقب نقل نمایند و اگر کسی چنین کاری را بکند، مرتکب گناه بزرگی شده است. ما هم به تقلید سایرین پیاده شده و هریک سه دفعه این زوار بی‌جان را به طرف شهر غلتاندیم. مسافرت این سنگ‌ها برای زیارت ممکن است چندین سال به طول انجامد، اما به محض این که به شهر نزدیک شدند، خادمان آستانه [قدس] می‌آیند و آن‌ها را با تشریفاتی به شهر می‌برند و در محلی که برای آن‌ها معین شده و اکنون عدهٔ زیادی از آن‌ها در آن جا دیده می‌شود، جای می‌دهند.» دالمانی در بخش دیگری از گزارش خواندنی خود به سنت سنگ‌چینی زائران در «طریق الرضا(ع)» هم اشاره می‌کند و می‌نویسد: «همین که به بالای تپه رسیدیم، تمام زوّاری که چند روز با ما راه می‌پیمودند، سر تعظیم به طرف شهر فرود آوردند و بعد چند سنگی را به علامت رؤیت گنبد آستانه [قدس] روی هم گذارده، هرم کوچکی تشکیل دادند.» بدیهی است که این اقدامات، ریشه در ارادتی داشت که زائران، به‌ویژه زائران پیاده حرم رضوی، به‌وجود مقدس ثامن الحجج(ع) و بارگاه منوّر آن حضرت داشتند. نمونه‌های بسیار از این دست، در متون تاریخی و منابع مطالعات فرهنگی و اجتماعی قابل احصا و بررسی است.

> جاده زیارت، تنها مسیری برای رسیدن زائران به مشهد الرضا(ع) نبود، بلکه در آن می‌شد شاخص‌های فرهنگی متعدد و مرتبط با فرهنگ زیارت را در قالب نذر، وقف، برنامه‌های خاص و سنت‌های ویژه مذهبی مشاهده کرد. شاخص‌هایی که برخی از آن‌ها دست کم تا یک سده قبل برقرار بودند و پس از ورود ابزار و وسایل جدید حمل و نقل به ایران، به تدریج فراموش شدند و از یاد رفتند

دهه ۱۳۳۰؛ ورودی بالا خیابان در حرم مطهر

به یاد «ابوذر زمان» در سالروز رحلت او

آیت ا... طالقانی؛ نقطه تلاقی وحدت ملی و تقریب مذهبی

مناسبت
گروه تاریخ

آیت ا... طالقانی را همه می‌شناختند. سید باصفایی که مبارزات بی امانش از او کوهی برای تکیه همه ساخته بود. سید محمود علائی طالقانی در اسفند سال ۱۲۸۹، در روستای گلیرد، از توابع طالقان دیده به جهان گشود. پدرش ابوالحسن علائی طالقانی، که به تعبیر امام(ره)، در رأس پرهیزکاران قرار داشت، از روحانیون عالم و مبارزی بود که پسر، ساده زیستی و صراحت لهجه را نخستین بار از منش و رفتار او آموخت. مقدمات را در زادگاه گذراند و در ۱۰ سالگی راهی قم شد و دروس خود را در مدارس رضویه و فیضیه طی کرد و پس از اخذ درجه اجتهاد از آیت ا... سید عبدالکریم حائری، در سال ۱۳۱۸ به تهران آمد تا نخستین حرکت سیاسی خود را در قالب انتشار بیانیه‌ای علیه رضاخان، به دلیل کشف حجاب و مفاسد موجود، انجام دهد. او به دلیل انتشار این بیانیه، نخستین زندان خود را تجربه کرد. این تجربه، سبب پیوند ناگسستنی او با مبارزه شد و سید محمود طالقانی را عملاً وارد عرصه مبارزات سیاسی کرد.

■ هدایتگر نسل جوان

آیت ا... طالقانی در سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰، با درک اهمیت ورود جوانان و به‌ویژه دانشجویان به مقوله‌های دینی و آشنایی آن‌ها با معارف اسلامی، کانون اسلام را تاسیس و جلسات منظم تفسیر را برقرار کرد؛ جلساتی که ثمره‌های گران‌قدری نظیر شهید رجایی داشت. کوشش بی وقفه او برای برقراری رابطه‌ای مستحکم میان حوزه و دانشگاه، از او شخصیتی کاریزماتیک برای هر دو گروه ساخت. صفا و صداقت طالقانی، در معاشرت با دیگران نیز، بر گیرایی شخصیت وی می‌افزود. با شکل‌گیری فدائیان اسلام، وی به جانبداری از شهید نواب صفوی پرداخت و از مشی مبارزاتی او حمایت می‌کرد. با وقوع کودتای ۲۸ مرداد و تحت تعقیب قرار گرفتن اعضای فدائیان اسلام، طالقانی به حامی جدی آن‌ها بدل شد. منزل او در تهران، به مأمنی برای فدائیان اسلام و رهبرشان، شهید نواب صفوی تبدیل شد. مرحوم طالقانی، برای در امان ماندن تعدادی از یاران شهید نواب، آن‌ها را به روستای زادگاهش برد و در آن‌جا مخفی کرد؛ تاوان این حمایت، زندانی دیگر برای ابوذر زمان بود. از سال ۱۳۳۲ به بعد فعالیت‌های تبلیغی آیت ا... طالقانی، به‌ویژه در محیط‌های دانشگاهی، شتاب دو چندانی گرفت. مسجد هدایت به عنوان پایگاه فعالیت‌های آن مرحوم به پناهگاه و مأمن بسیاری از نیروهای جوان و انقلابی بدل شد که در و انفسای دهشتناک سال‌های پس از کودتا، به دنبال مکانی برای آموختن و فعالیت می‌گشتند. به قول مرحوم دکتر شریعتی: «در سال‌های خفقان ظلمانی پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تنها طالقانی و مسجد هدایت، چون مناره‌ای در کویر، قامت فریاد بود.» او مسجد را به کانونی برای مبارزه با استبداد تبدیل کرد. با فرا رسیدن بهمن سال ۱۳۴۱، طالقانی، همسو با امام خمینی(ره)، به مقابله جدی با همه‌پرسی انقلاب به اصطلاح سفید پرداخت و آن را یک «خیمه شب بازی» نامید. درست در همان زمان بود که مخالفت و مبارزه‌وی با رژیم صهیونیستی، سبب شد رژیم شاه‌وی را مجدد بازداشت و روانه زندان کند.

■ منادی تقریب

آیت ا... طالقانی تنها در حوزه سیاست داخلی فعال نبود. نگاه تقریبی او به مسائل جهان اسلام از وی چهره‌ای فراملی ساخت. او هرگاه در زندان نبود، همایش‌های تقریبی را پی می‌گرفت. در سال ۱۳۳۱ به کنفرانس «شعوب المسلمین» کراچی دعوت شد و پس از آن، در کنفرانس قدس (۱۳۳۸) و کنفرانس اسلامی قاهره (۱۳۴۰) شرکت کرد. مرحوم طالقانی با ترجمه کتاب «امام علی بن ابی طالب(ع)» که تألیف شده یکی از محققان تقریبی اهل سنت بود، کوشید تا موضوع تقریب را در ذهن جوانان ایرانی نیز نهادینه کند. او در مقدمه این کتاب نوشت: «راه تقریب، که جمعی از علمای بیدار و مجاهد پیش گرفته‌اند، همین است که با نور تفکر، محیط ارتباط اسلامی را روشن سازند و با نوک قلم، باقی مانده ابرهای تاریک از افق فکری مسلمانان را زائل گردانند تا وحدت واقعی پایه گیرد، نه اتحاد صوری و قراردادی.»

■ رنج‌های یک عمر مبارزه

مرحوم طالقانی پس از اعتراض به انقلاب به اصطلاح سفید، بازداشت و زندانی شد؛ همزمان با همین دوره از زندان او، واقعه ۱۵ خرداد و بازداشت امام خمینی(ره) به وقوع پیوست. او اعتراض خود و گروهی از زندانیان را در متن اعلامیه‌ای، با عنوان «دیکتاتور خون می‌ریزد»، منتشر و همراهی خود را با نهضت آغاز شده اعلام کرد. همین اعتراض، زمینه را برای حبس بلند مدت وی فراهم و بیدادگاه شاه، وی را به تحمل ۱۰ سال حبس محکوم کرد. امام(ره) ضمن بیاناتی درباره حکم زندان مرحوم طالقانی و تعدادی از زندانیان سیاسی، در فروردین سال ۱۳۴۳، فرمودند: «تا این چیزها نباشد کار درست نمی‌شود، تا زندان رفتن‌ها نباشد پیروزی به دست نمی‌آید. هدف، بزرگ‌تر از آزاد شدن عده‌ای از زندان است، طرد عمال اسرائیل است، اتحاد با کشورهای اسلامی است.» در این حبس طولانی مدت نیز، مرحوم طالقانی به آموزش و هدایت زندانیان پرداخت. مجموعه تفاسیر وی با نگاه ویژه‌اش به مسائل روز جهان اسلام، یادگار همین دوره است. او پس از کش‌وقوس‌های بسیار، سرانجام در آبان سال ۱۳۵۷ از زندان آزاد شد و در جریان انقلاب، نقشی مهم و محوری ایفا کرد. امام(ره) با شناختی که از آیت ا... طالقانی داشتند، او را به عضویت شورای انقلاب منصوب کردند که زمینه را برای فعالیت گسترده وی فراهم کرد. آیت ا... طالقانی صراحت لهجه خویش را تا پایان عمر حفظ کرد. آن مرحوم، در واپسین روزهای حیات خود و پس از شهادت شهید مطهری، ریاست شورای انقلاب را بر عهده گرفت و در آخرین مسئولیتی که امام(ره) به وی محول کردند، برای اقامه نماز جمعه، دانشگاه تهران را به عنوان محل برگزاری انتخاب کرد تا باز هم زمینه را برای حضور دانشگاهیان در عرصه اجرای احکام اجتماعی دین مهیا کند. آیت ا... طالقانی سرانجام پس از عمری مجاهدت و پایمردی، در سحرگاه ۱۹ شهریور سال ۱۳۵۸، دار فانی را وداع گفت. پیکر وی در جوار مرقد شهدای انقلاب اسلامی در بهشت زهرا(س) تهران به خاک سپرده شد.

آگهی دعوت به همکاری

هلدینگ صنعتی سیمان لار سبزوار برای شرکت های زیر مجموعه خود، در شهرستان سبزوار جهت سمت‌های

۱- مدیریت مالی(۱ نفر آقا) دارای ۵ سال سابقه کاری مرتبط
۲- مدیر حسابرسی داخلی(۱ نفر آقا) ۳- کارشناس مالی(۱ نفر آقا)
۴- کارشناس شیمی کاربردی(۲ نفر آقا) ۵- کارشناس مکانیک(۳ نفر آقا)

دعوت به همکاری می‌نماید.
از متقاضیان درخواست می‌گردد، مدارک زیر را تا تاریخ ۱۴۰۲/۶/۳۰ از طریق ایمیل newjobsforexperts@gmail.com و یا شماره ۰۹۱۵۵۷۱۸۳۵۸ توسط پیام رسان های داخلی ایتا و روبیکا ارسال نمایند.
مدارک مورد نیاز: • آخرین مدرک تحصیلی • تصویر کارت ملی، تمام صفحات شناسنامه، کارت پایان خدمت • رزومه کاری
۳۴۵۳۹

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۴۰۲۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۶۶۶۴ کلاسه ۴۳۲ - ۱۴۰۲ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین صالحی به شناسنامه شماره ۴۳ کد ملی ۰۹۰۲۱۲۴۶۴۱ صادره فرزند امین اله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۲۵۶.۳۸ متر مربع، پلاک شماره ۶۴ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی مالکیت مشاعی متقاضی (حسین صالحی) محرز گردیده است . لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۴۳۴ تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۲،۶،۰۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲،۶،۱۹
احمد جهانگیر ـ رئیس ثبت‌اسناد و املاک کاشمر
۳۲۷۲۹

اصلاحیه

در آگهی صفحه ۶ روزنامه خراسان شنبه ۱۸ شهریور مربوط به خط انتقال آب از دریا به استان‌های شرقی کشور
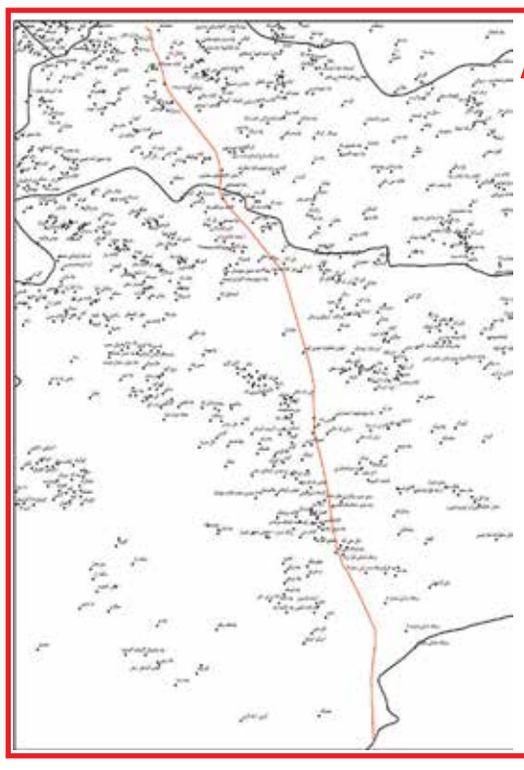
نقشه لاین یک خط انتقال که از جنوب شهرستان نهبندان شروع و به شمال شهرستان سربیشه ختم می‌شود چاپ نگردیده و به جای آن نقشه لاین ۲ که تا انتهای شهرستان قاینات و خضری ادامه داشته دو مرتبه در آگهی چاپ شده است.که بدینوسیله اصلاح می گردد.